

امریکا به هند:

افغانستان لانه تروریسم نخواهد شد



معاون رییس‌جمهور امریکا تلاش دارد نگرانی‌های هند را در مورد پیامدهای خروج نیروهای خارجی از افغانستان مرفوع کند. در سفر جو بایدن به هند، افغانستان مهمترین محور گفت‌وگوهای او با مقامات هندی بود. این در حالی بود که پیش از این گفته می‌شد مسایل بازرگانی میان دو کشور در محور گفت‌وگوها قرار داشته باشد.

هند از نقش پاکستان و دوباره به قدرت رسیدن تندروان طالب در افغانستان نگران است که اتحاد آن گروه با اسلام آباد علایق دهلی جدید را به مخاطره می‌کشد.

خبرگزاری رویترز گزارش می‌دهد که معاون رییس‌جمهور ایالات متحده در سخنرانی‌اش در ممبئی تصریح کرد که کشورش همیشه به یک روند مصالحه افغانی به...
ادامه صفحه ۶

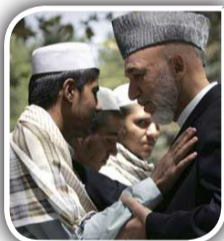
یک جنرال ارشد امریکایی:

القاعده با طالبان و حزب اسلامی غیر قابل تمایز شده است



صفحه ۶

در برگ ها



آقای کرزی بر آتش جنگ می‌ریزد

مردم افغانستان؛ گروگان‌های دیورند!



آیا انگلیسی زبانی مردانه است؟

د ملی اجنیا طرحه دې له ملي شورا سره شریکه شي



امریکایی‌ها:

افغانستان ارزش جنگیدن ندارد



درصد اعلام کردند که جنگ افغانستان به برقراری امنیت در این کشور کمک می‌کند که در مقایسه با نظرسنجی‌های سه سال گذشته این رقم قایل مقایسه نیست.

بر اساس آخرین نظرسنجی‌ها اکثر امریکایی‌ها یعنی ۷۲ درصد جنگ افغانستان را بیهوده و تنها باعث اتلاف انرژی و هزینه می‌دانند که ارزش جنگیدن ندارد.

بر اساس نظرسنجی روزنامه واشنگتن پست و شبکه خبری ای بی سی تنها ۲۸ درصد از امریکایی‌ها بر این باورند که جنگ افغانستان ارزش جنگیدن را دارد که این میزان کمترین میزان از سال ۲۰۰۷ تاکنون است.

بر اساس این نظرسنجی حمایت مردم امریکا از عملیات نظامی در افغانستان از ماه مارچ تاکنون ۱۱ درصد کاهش یافته است.

همچنین کمتر از نیمی از امریکایی‌ها یعنی تنها ۴۳

چک سفید واشنگتن و آموزش قاضی‌های افغانستان



دالر هزینه بر می‌دارد.

این قرارداد به سازمان توسعه بین‌المللی حقوق مستقر در روم واگذار شده است. این سازمان در ماه مارچ امسال برنامه اش برای تهیه «آموزش در بخش عدالت جزایی در سطح ملی و دیده بانی برای سازنوال‌ها، قضات، وکلای مدافع و بازجویان جنایی» را شروع کرد...
ادامه صفحه ۶

مقام‌های امریکایی روز پنج شنبه از ناکامی ایالات متحده امریکا در نظارت مناسب از حدود ۴۸ میلیون دلاری که برای کمک در برنامه آموزش قضات و وکلای مدافع افغانستان سرمایه‌گذاری شده بود، انتقاد کردند

یک اداره نظارتی ایالات متحده امریکا در نامه تندی عنوانی جان کری، وزیر خارجه این کشور به «نارسایی‌های جدی» در برنامه انتقالی برای آموزش عدلی در افغانستان اشاره کرده است. هدف این برنامه کمک به ایجاد یک دستگاه قضایی شایسته و مناسب در افغانستان می‌باشد.

جان ساپکو، بازرس کل ویژه برای بازسازی افغانستان، هشدار داده است که این برنامه فاقد «تدارکات اساسی» برای تضمین از نظارت پروژه‌هایی است که برای مالیه دهنده‌گان امریکایی نزدیک به ۵۰ میلیون

پاکستان:

حضور پناهنده‌گان افغانی را تا سال ۲۰۱۵ تمدید می‌کنیم



دولت پاکستان تصمیم دارد تا مدت اقامت آن دسته از پناهنده‌گان افغانستان که به طور قانونی در این کشور حضور دارند را تا سال ۲۰۱۵ (۱۳۹۴ شمسی) تمدید کند.

دولت پاکستان روز جمعه با انتشار...
ادامه صفحه ۶

احمد عمران

آقای کرزی بر آتش جنگ هیزم می‌ریزد

کشور تلقی شود. نهادهای امنیتی و عدلی کشور، این افراد را اخلال‌گران امنیت عامه می‌خوانند و در قوانین کشور برای این‌گونه جرایم، مجازات‌های مشخص در نظر گرفته شده است.

افراد رها شده، افراد سیاسی نبوده‌اند که به دلیل فعالیت‌های سیاسی خود به زندان رفته باشند؛ کما این‌که در قوانین کشور فعالیت سیاسی جرم پنداشته نمی‌شود. بر اساس قوانین نافذ کشور که رئیس‌جمهوری ملزم به رعایت و اجرای آن است، فعالیت سیاسی زمانی وجهه جرمی به خود می‌گیرد که از دایره فعالیت‌های محض سیاسی و برابر با قوانین، فراتر رفته باشد و نظم و امنیت جامعه را مختل کند. میان فعالیت سیاسی و خشونت سازمان‌یافته، تفکیک باید قابل شد و جنایت‌کاران را نباید به دلیل این‌که به گروه طالبان تعلق دارند، از زندان‌ها رها کرد، آن‌هم به این امید واهی و عبث که این‌گونه رهاسازی‌ها حسن نیت تعبیر شود و رهبران این گروه را متقاعد کند که مشکلات را بر سر میز مذاکره حل کنند. متأسفانه خواسته و ناخواسته، رهاسازی افراد گروه‌های شورشی، از سوی رهبران این گروه‌ها به ضعف مدیریت سیاسی دولت تعبیر شده و به‌جای این‌که اثرات مثبت بر روند تأمین امنیت بگذارد، این گروه‌ها را در مواضع‌شان در مبارزه با نیروهای امنیتی، پایدارتر کرده است.

موضوع دیگری که نباید فراموش شود این است که در حملات این افراد، اکثراً شهروندان بی‌گناه کشور قربانی شده‌اند و تصمیم در مورد سرنوشت آن‌ها، به شهروندان و قربانیان جنایات آن‌ها مربوط می‌شود و نه کسانی که در پشت حصارهای سنگی ماوا گزیده‌اند و ریخته شدن خون افراد بی‌گناه، هیچ تکانی به زنده‌گی آن‌ها وارد نمی‌آورد. تصمیم‌گیری در مورد رهایی سازمان‌دهندگان حملات انتحاری و بمب‌گذاری‌های کنارجاده‌یی، به مردم افغانستان که آماج این‌گونه حملات هستند، برمی‌گردد و نه کسانی که می‌خواهند با جنایت‌کاران روی میز مذاکره بنشینند و یا آن‌ها را در قدرت سهیم کنند. اگر حاکمیت قانون در افغانستان این‌گونه که حالا نقض شده و نقض می‌شود، هم‌چنان ادامه یابد، دیری نخواهد پایید که ده‌ها گروه دیگر نیز در گوشه و کنار کشور، به طمع گرفتن کرسی و مقام، مسلح شوند و به کشتار و جنایت روی آورند. رویکرد دولت در مبارزه با گروه‌های جنایت‌پیشه، به‌جای بازدارنده‌گی، به تشویق فعالیت‌های آن‌ها کمک کرده است. اگر آقای کرزی در طول سال‌هایی که به‌عبث صرف ترغیب گروه‌های شورشی به پیوستن به روند صلح کرده، به تحقق حاکمیت قانون به عنوان مهم‌ترین اصل دموکراتیزه کردن قدرت توجه نشان می‌داد، امروز افغانستان در وضعیت و موقعیت فعلی قرار نمی‌داشت. توجه به تأمین حاکمیت قانون در کشور افزون بر این‌که اعتماد شهروندان را نسبت به عمل‌کرد و کارایی ساختارها به گونه مثبتی افزایش می‌بخشد، جلو بسیاری از ناامنی‌ها و جرایم سازمان‌یافته علیه امنیت عامه را نیز سد می‌شد.



این بار با جسارت بیشتر در برابر همان نیروهایی قرار می‌گیرند که روزی از سوی آن‌ها دستگیر شده بودند!

افراد رها شده به فرمان آقای کرزی، خلاف‌کاران ساده نبوده‌اند که در پی ارتکاب جرایم کوچک بازداشت شده باشند. این افراد اعضای فعال و اثرگذار گروه‌هایی بودند که برای سقوط نظام، دست به کشتار و جنایت زده‌اند و در آینده نیز پس از رهایی، هم‌چنان به مواضع نخستین خود برمی‌گردند.

آقای کرزی از زمانی که برنامه گفت‌وگوهای صلح را طراحی کرده است، تلاش‌های پیدا و پنهانی را انجام می‌دهد که سران گروه‌های شورشی را نسبت به حسن نیت خود در این گفت‌وگوها جلب کند. این تلاش‌ها افزون بر رهایی بازداشت‌شده‌گان، شامل ارسال پول و وعده تقسیم قدرت سیاسی نیز می‌شود. آقای کرزی در حالی دست به این‌گونه تلاش‌ها می‌زند که حتا گروه‌های شورشی و به‌ویژه طالبان حاضر نیستند که حکومت افغانستان را به عنوان یک طرف قضیه، به رسمیت بشناسند. اگر رهایی افراد بازداشت شده اثرات کمی هم بر روند امنیت و یا تمایل گروه‌های شورشی برای گفت‌وگو می‌گذاشت، بازهم می‌شد که توجیهی برای این‌گونه رها کردن‌ها پیدا کرد. ولی وقتی رهایی افراد بازداشت شده، به افزایش جنگ و درگیری‌های مسلحانه بیشتر در کشور منجر می‌شود، چه‌گونه می‌توان انتظار داشت که شهروندان کشور از این‌گونه اقدام‌ها حمایت کنند؟

از جانب دیگر، رهایی افراد طالبان بدون هرگونه مشوره با طرف‌های مختلف، احزاب سیاسی و نهادهای جامعه مدنی، می‌تواند پنهان‌کاری آشکار در مهم‌ترین مسایل مربوط به امنیت و آینده سیاسی

نشر گزارش رهایی بیش از پنج‌صد تن از اعضای گروه طالبان از زندان‌ها به فرمان رئیس‌جمهوری و درخواست شورای عالی صلح، تنها می‌تواند رویکرد اشتباه‌آمیز آقای کرزی را در رسیدن به صلح و تأمین امنیت نشان دهد؛ رویکردی که نتایج اسف‌بار آن بدون شک گریبان‌گیر شهروندان بی‌گناه کشور خواهد شد.

رهایی افرادی که در پی تلاش‌های شبانه‌روزی نیروهای امنیتی کشور بازداشت می‌شوند، می‌تواند توهینی آشکار به این همه فداکاری و از خودگذشته‌گی تلقی گردد. وقتی نیروهای امنیتی با تلاش‌های خسته‌گی‌ناپذیر و خطر کردن‌های تحسین‌برانگیز، موفق می‌شوند شماری از دهشت‌افکنان را به پنجه قانون بسپارند، انتظار دارند که مقام‌های کشور در پاسخ به این اقدام‌های شجاعانه، آن‌ها را در راستای مبارزه با دهشت‌افکنی و تروریسم تشویق کنند و نه با رهایی مجرمان معلوم‌الحال، کارنامه‌های آن‌ها را زیر سوال ببرند. اگر قرار باشد عده‌یی همواره در پی دستگیری جنایت‌کاران باشند و عده‌یی دیگر در پی رهایی آن‌ها؛ چه نتایج فاجعه‌باری به بار خواهد آمد؟ آیا بازهم انگیزه و میل در مبارزه با گروه‌های دهشت‌افکن هم‌چنان در میان نیروهای امنیتی کشور وجود خواهد داشت؟

این‌گونه عمل‌کرد علاوه بر زیان‌هایی که بر روند تأمین امنیت وارد می‌کند، می‌تواند انگیزه نیروهای امنیتی کشور را در مبارزه با گروه‌های جنایت‌کار به شدت تضعیف کند. آن‌ها بدون شک از خود می‌پرسند که چرا افراد شناخته‌شده که با اسناد و مدارک بازداشت شده‌اند، دوباره رها می‌شوند؟ آن‌هم رهایی کسانی که به جای گذاشتن اثرات مثبت بر روند امنیت، دوباره به صفوف گروه‌های شورشی برمی‌گردند و

سخن‌ماندگار

واگذاری چند ولایت به طالبان به سود کیست؟

یک‌سال‌واندی قبل، روزنامه ماندگار در گزارشی خبر داد که برنامه‌های مذاکرات صلح، به طرح پنهانی‌یی انجامیده که در آن برخی از جناح‌ها سعی دارند بخشی از کشور را به طالبان بسپارند. در آن گزارش، از هشت ولایت جنوبی نام برده شده بود که تا اکنون به گونه‌یی زیر نفوذ طالبان قرار دارند. با باز شدن دفتر طالبان در قطر این مسأله به گونه رسمی از جانب پاکستان و با حمایت امریکا مطرح شد و واکنش‌هایی را در قبال داشت.

هرچند این گمانه تا حال یکی از نتایج احتمالی مذاکرات صلح شمرده می‌شود، اما در این اواخر بار دیگر برخی از رسانه‌های غربی تحلیل کرده‌اند که راه‌حل بحران افغانستان، تنها سپردن برخی از ولایت‌های جنوبی و شرقی به طالبان می‌باشد.

پرسش این است که چرا رسانه‌های غربی به این صراحت طالبان را بزرگ می‌سازند و راه‌حل بحران را در سپردن بخشی از افغانستان به آن‌ها می‌دانند؟

پاسخ دادن به این پرسش، نیازمند دانستن استراتژی‌های استخباراتی کشورهایی مثل ایالات متحده و عمق استراتژیک پاکستان در منطقه است که به این آسانی ممکن نیست.

نخست می‌توان به ادامه گفت‌وگوهای صلح و اصل این طرح دقت کرد که با موافقت ایالات متحده انجام پذیرفته است. ایالات متحده می‌دانست که طرح مذاکره با طالبان، به معنای رسمیت‌بخشی به آن گروه است، اما به رغم این دانایی، گفت‌وگوها تا کنون ادامه دارد.

طرح سپردن هشت ولایت جنوبی نیز از طرح‌های امریکایی‌ها بود که یکی از سناتوران آن کشور، آن را مطرح کرده و اینک ظاهراً به عنوان یک راه حل، بیشتر مطرح نظر است.

نکته دیگر در این مبحث، رشد دوباره این گروه است که برمی‌گردد به سال‌های خیلی قبل. چنان‌که این نقد همواره متوجه ایالات متحده بوده که چرا در همان سال‌هایی که طالبان یک گروه فراری در غارهای توره‌بوره بودند و ایالات متحده توانایی ریشه‌کن کردن آنان را داشت، این کار را انجام نداد؟

پاسخ این پرسش را در بازی‌های پاکستان باید جست‌وجو کرد که آن کشور با سیاست‌های ماهرانه‌اش، ایالات متحده را از اهدافش منحرف نمود و در نتیجه، طالبان مجال بازسازی دوباره خود را یافتند.

نکته دیگر، برخورد دوستانه ایالات متحده با پاکستان بود که با توجه به این‌که بارها ثابت شد پاکستان حامی درجه یک طالبان است؛ رفتار ایالات متحده در برابر آن کشور تغییر نکرد.

نکات بالا می‌رسانند که نقش ایالات متحده در افزایش نیروی طالبان نیز کم از پاکستان و سیاست‌های آقای کرزی نبوده است؛ اما شکی نیست که طرح یاد شده، بیشتر بر بنیاد لابی‌گری‌های پاکستان از سوی ایالات متحده مطرح شده است. زیرا تجربه ثابت کرده که اکثر سیاست‌های ایالات متحده در افغانستان، بر بنیاد داده‌های پاکستانی‌ها شکل گرفته و اکثراً در بین این اطلاعات، پاکستانی‌ها منافع خودشان را از یاد نبرده‌اند.

این‌که بخش‌هایی از افغانستان به طالبان تعلق گیرد نیز، یک طرح پاکستانی می‌نماید و چیزی جز تضمین منافع پاکستان را به نمایش نمی‌گذارد.

این نکته، هنگامی که دفتر طالبان در قطر گشایش یافت نیز به مشاهده رسید. چنان که طالبان به گمان این‌که بخش‌هایی از خاک افغانستان به آن‌ها سپرده می‌شود، پرچم امارت اسلامی را بالا کردند. اکنون می‌توان گمان برد که رسانه‌های غربی با بالا کردن دوباره این مسأله، سعی در عملی ساختن این طرح پاکستان دارند. در واقع، این طرز کار رسانه‌های امریکایی، نوعی هم‌سو کردن اذهان عامه جامعه امریکا با این طرح است. به احتمال قوی که سیاست‌مداران امریکایی به نتیجه موافقی در این زمینه رسیده‌اند که اکنون در پی تبلیغ آن هستند.

بنابراین، ثابت می‌شود که ایالات متحده به دنبال از بین بردن بحران نیست و برعکس، سعی در فراگیر کردن بحران دارد. زیرا نام این کار را غیر از تجزیه مستقیم افغانستان، چیز دیگری نمی‌توان گذاشت. سپردن ولایت‌های جنوبی کشور به طالبان، به معنای به رسمیت شناختن یک کشور طالبانی و تروریستی است که ایالات متحده در تئوری با پاکستان، عملاً سعی در اجرای آن دارد و این طرح هیچ سودی به حال بحران کنونی نخواهد داشت، برعکس تشدید این بحران را هم در پی دارد؛ اما نه این‌که چنین بحرانی تنها در افغانستان محصور بماند، بل تمام منطقه را فرا خواهد گرفت و هیچ کشوری از تب ساری تجزیه در امان نخواهد ماند.

پیش کشیدن این طرح و حمایت از آن در شرایطی که افغانستان دارد به مرحله انتقال سیاسی و اتمام انتقال نظامی خود از نیروهای خارجی به نیروهای داخلی نزدیک می‌شود، به عنوان یک سایه سیاه و شوم بر سرنوشت مردم افغانستان قلمداد شده و به باج‌دهی به پاکستان مانند شده است.

تاکید بیش از حد روی این طرح نامیمون سبب خواهد شد که مردم افغانستان در مقابله با این باج‌دهی، یک صدا شوند و این برای امریکایی‌ها هم گران تمام خواهد شد.

اپوزیسیون پاکستان انتخابات ریاست جمهوری را تحریم می کند



خود را صادر کرد. این کاندیدای حزب مردم پاکستان در ادامه گفت: ما این اقدام دادگاه عالی پاکستان را تحمیل حزب حاکم می دانیم. رئیس جمهور جدید پاکستان توسط اعضای دو مجلس پاکستان و چهار مجمع ملی این کشور انتخاب می شود. کاندیدای حزب مردم پاکستان اعلام کرد: تصمیم دادگاه عالی برای ما و سایر کاندیداهای مخالف ایجاد مشکل کرده چرا که ما تنها دو روز مهلت داریم تا در چهار ولایت اصلی و پایتخت پاکستان اقدام به تبلیغات انتخاباتی کنیم. آصف علی زرداری پس از پیروزی حزب مردم پاکستان در انتخابات سال ۲۰۰۸ میلادی در پی ترور بی نظیر بوتو، همسر و نخست وزیر اسبق این کشور به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد. حزب مردم پاکستان پنج سال تمام قدرت را در دست داشت، اما متأسفانه در انتخابات مه سال جاری میلادی از حزب مسلم لیگ پاکستان شاخه نواز شکست سنگینی خورد. اصلاحیه های قانون اساسی که توسط دولت تحت رهبری مردم پاکستان صورت گرفت و تصویب شد، هم اکنون به این معناست که رئیس جمهور به شدت نقشی تشریفاتی در این کشور ایفا می کند؛ اگر چه زرداری در دوران ریاست جمهوری خود یک عامل سیاسی قدرتمند در پشت صحنه محسوب می شد.

حزب اصلی مخالف دولت پاکستان روز جمعه اعلام کرد که قصد دارد تا انتخابات ریاست جمهوری هفته آتی این کشور را به دلیل حکم دادگاه عالی مبنی بر تغییر برگزاری این انتخابات تحریم کند. دادگاه عالی پاکستان روز چهارشنبه حکم داد که رای گیری برای انتخابات ریاست جمهوری این کشور به جای شش اگست سال جاری میلادی، سی ام جولای ۲۰۱۳ برگزار شود. این اقدام پس از آن صورت گرفت که حزب اصلی و حاکم پاکستان اعلام کرد که ششم اگست با آخر ماه رمضان همزمانی دارد و باید در برگزاری انتخابات ریاست جمهوری تغییر صورت گیرد. بسیاری از قانونگذاران اعلام کردند که به دلیل

ضرب الاجل ۴۸ ساعته ارتش مصر به اخوان المسلمین



در پی صدور فراخوان رئیس جمهوری موقت مصر برای برگزاری تظاهرات روز جمعه در راستای حمایت از دولت جدید، ارتش این کشور با اعطای ضرب الاجل ۴۸ ساعته به اخوان المسلمین از این گروه خواست تا در مهلت تعیین شده به روند سازش سیاسی بپیوندد. فرمانده کل نیروهای مسلح در بیانیه ای اعلام کرد: انقلاب ۳۰ جون اراده مردمی بود و یک کودتای نظامی نیست و حضور گسترده مردم بهترین دلیل بر صحت این امر است. در این بیانیه آمده است: هر کس انقلاب ۳۰ جون و سوم جولای را ندیده است، روز جمعه آن را خواهد دید؛ انقلابی که زاده اراده این ملت عظیم است. ارتش مصر اعلام کرد: تمامی تدابیر در این زمینه صورت گرفته است و پلیس و نیروهای مسلح اجازه بر هم زدن امنیت و ثبات منطقه را نخواهد داد. ارتش مصر در ادامه افزود، به محض پایان یافتن تظاهرات روز جمعه، استراتژی برخورد با خشونت و تروریسم سیاه که با ماهیت و اخلاق این ملت بزرگ همخوانی ندارد، تغییر خواهد کرد و به شیوهی مناسب که ضامن امنیت و ثبات کشور باشد، تبدیل می شود. همچنین به گروه اخوان المسلمین ۴۸ ساعت فرصت داده شد (تا عصر روز شنبه) تا به روند سازش سیاسی در این کشور بپیوندد. در پایان این بیانیه آمده است، نیروهای مسلح مصر ارتش مردمی بوده و هرگز به سوی مردم خود سلاح بالا نمی برد بلکه آن را به سمت خشونت و تروریسم که دین و وطن ندارد، نشانه می گیرد.

آدام گان / تحلیلگر خبرگزاری شینخوا

مذاکرات صلح خاور میانه آغاز خواهد شد؟

مرزهای کشور فلسطین وجود داشته و توقف شهرک سازی ها در کرانه باختری و بیت المقدس شرقی را شامل می شود.

مخالفان داخلی

گولان ادامه می دهد: از نظر جان کری مساله مهم، تنها از سرگیری مذاکرات صلح است و برای بنیامین نتانیاو، نخست وزیر اسرائیل تا وقتی که مجبور نباشد هیچ پیش شرطی را قبول کند همه چیز اوکی است. او می افزاید: به زبان دیگر نتانیاو قصد دارد تا به کابینه خود اعلام کند که توقف شهرک سازی ها در کار نیست اما نگذارید که این شهرک ها در مناطق مورد مناقشه ساخته شود و آزادسازی اسرای فلسطینی نیز صورت می گیرد. اما زمان آن تا حدودی نامشخص است. نتانیاو اقدامات ضروری را انجام خواهد داد بدون آنکه این ذهنیت را در آنها ایجاد کند که پیش شرطها را پذیرفته است چرا که در آن شرایط با شرکای ائتلافی خود به مشکل می خورد.

نفتالی بنت، وزیر اقتصاد و رهبر حزب «خانه یهود» منتقدترین شریک ائتلافی نخست وزیر اسرائیل است که تهدید کرده اگر نتانیاو با خطوط مرزی ۱۹۶۷ یعنی توقف برخی از شهرک سازی ها موافقت کند، دولت را ترک می کند.

پروفسور گولان اعلام می کند: این در حالی است که احتمال سرنگونی دولت تنها موضوعی نیست که نتانیاو باید نگران آن باشد چرا که یکی از مهمترین مشکلاتی که او با آن مواجه است حزبی است نه این ائتلاف. حزب لیکود نتانیاو همیشه یک حزب راست بوده اما طی دو سال اخیر گرایشش به راست گرایی بیشتر شده و بسیاری از سیاستمداران میانه رو خود را از دست داده است. از این گذشته حزب نتانیاو نمایندگانی چون دنی دنون، معاون وزیر دفاع را انتخاب کرده که می گوید: دولت کنونی هرگونه توافقی را که منجر به تشکیل کشور فلسطین شود، مانع می شود.



کاری در نظر گرفته شده است؟ به زبان دیگر هنوز در مورد مسایل مشابهی که در گذشته مانع پیشرفت روند صلح میان اسرائیل و فلسطین شده همانند خطوط ۱۹۶۷، آزادی اسرا و توقف شهرک سازی ها توافقی صورت نگرفته است.

او می افزاید: گمان می کنم زمانی که میانجی گران هر دو طرف در واشنگتن با یکدیگر دیدار کنند جر و بحث های بیشتری به وجود می آید.

تاکنون تنها جزئیاتی که می توان به آن استناد کرد، اظهار نظرات یووال استیویتز، وزیر اطلاعات، روابط بین المللی و امور استراتژیک اسرائیل است که می گوید: اسرائیل تعدادی از اسرای فلسطینی را که پیش از توافقنامه اوسلو، نوژ در سال ۱۹۹۳ در زندان اسرائیل بوده اند، آزاد خواهد کرد.

تعداد و زمان دقیق آزادسازی این اسرای فلسطینی مشخص نشده اما برخی از آنها به شرکت در حملاتی که اسرائیلی ها را مورد هدف قرار داده، متهم شده اند.

وزیر اطلاعات، روابط بین المللی و امور استراتژیک اسرائیل می گوید: اسرائیل با هیچ یک از پیش شرطهای محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین موافقت نکرده است. این پیش شرطها استفاده از خطوط آتش بسی که پیش از جنگ ۱۹۶۷ میلادی به عنوان

وزیر امور خارجه امریکا روز جمعه اعلام کرد که میانجی گران اسرائیلی و فلسطینی به زودی به منظور برگزاری مذاکرات صلح در واشنگتن با یکدیگر دیدار می کنند؛ اگر چه اسرائیل و فلسطین درباره بازگشت به پای میز مذاکرات توافق کرده اند اما همچنان برای دستیابی به یک توافق نهایی راه طولانی در پیش است.

اعلام این خبر یک پیروزی برای زحمات و تلاش جان کری، وزیر امور خارجه امریکا در مورد روند صلح محسوب می شود. از ماه فروری سال جاری میلادی که او زمام امور را به دست گرفته، برای برگزاری نشست های رو در رو با رهبران اسرائیلی، فلسطینی و عرب شش بار به منطقه سفر کرده است.

اما از آنجایی که جزئیات این توافق آشکار نشده، هیچ راهی وجود ندارد که متوجه شویم آیا کری قصد دارد راهی برای حل این مساله مهم پیدا کند یا خیر؛ مذاکرات صلح از سپتامبر ۲۰۱۰ به دلیل آغاز شهرک سازی های مجدد اسرائیل متوقف شده است. دکتر جان اتان اسپایر، از مرکز میان رشته ای در هرتزلیا می گوید: به نظر می آید که کری به جای حل این مسائل آنها را به جلو سوق می دهد تا ادامه پیدا کرده و موفق شود.

مساله حل نشده اصلی

خانم پروفسور گالیا گولان از مرکز میان رشته ای در هرتزلیا می گوید: فکر می کنم حداقل مساله بی که هر دو طرف با آن موافقت کرده اند این است که کری اظهار نظرات خود را در مورد این که نظر امریکایی ها در مورد این مذاکرات چیست، بیان کند؛ به معنای دیگر هنوز توافقی درباره مسائلی چون خطوط مرزی ۱۹۶۷ میلادی، آزادی اسرای فلسطینی و توقف شهرک سازی ها به دست نیامده است.

او در ادامه می گوید: هنوز مشخص نیست که اسرائیل چه اقداماتی را مد نظر دارد و چه چارچوب و چه برنامه

وزیر امور خارجه آلمان: آینده مصر نباید در درگیری های خیابانی تعیین شود



وزیر امور خارجه آلمان با ابراز نگرانی از ادامه تنش و درگیری ها بین موافقان و مخالفان محمد مرسی رئیس جمهور برکنار شده مصر، گفت: آینده مصر نباید در درگیری های خیابانی تعیین شود. گیدو وستروله روز جمعه با انتشار بیانیه ای با اشاره به فراخوان موافقان و مخالفان مرسی به برگزاری تظاهرات گسترده در شهرهای مصر، خاطر نشان کرد: در شرایط فعلی، مصر بیش از هر چیزی به کاهش تنش ها، خویش شدن داری و عقلانیت از سوی مقام های این کشور نیاز مبرم دارد.

در بیانیه وزیر امور خارجه آلمان آمده است: همه مسوولین و شخصیت ها در مصر باید از اعمال خشونت پرهیز کنند و آینده مصر نباید در درگیری های خیابانی مردم و گروه ها تعیین شود. وستروله با بیان اینکه امروز در مصر نیاز فوری به بازگشت به روند دموکراتیک انتقال قدرت با رهبری یک نظام دموکراتیک و غیر نظامی احساس می شود، تصریح کرد: مناقشه مصر باید از مسیر غیر نظامی حل شود و طرد کردن گروه های سیاسی و تعقیب سیاسی افراد جایگاهی در چنین روندی نخواهد داشت.

وزیر امور خارجه آلمان همچنین از همه طرفین درگیر خواست به صورت واقعی به دنبال گفتگو و سرآغازی جدید باشند تا به مصر این فرصت داده شود که یک روند بانبات، صلح آمیز و دموکراتیک را طی کند و مردم این کشور بتوانند سرانجام یک چشم انداز واقعی برای زندگی خود داشته باشند.

آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان نیز پیشتر در سخنانی خواستار آزادی محمد مرسی از زندان شده بود. در همین رابطه هفته نامه اشپیگل روز جمعه در خبری فوری از صدور حکم جلب مرسی از سوی دادستان مصر خبر داد که براساس آن محمد مرسی به جرم ارتکاب قتل و برقراری ارتباط با جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) از امروز بازداشت رسمی خواهد بود و تحت بازجویی قرار می گیرد.

براساس خبر اشپیگل حماس در سال ۲۰۱۱ به مرسی در فرار از زندان کمک کرده و در عملیات فرار از زندان تعدادی از هم سلولی های وی و همچنین مامور زندان به قتل رسیده اند که مرسی به نقش داشتن در این قتل ها متهم است.

حکم جلب مرسی در حالی روز گذشته از سوی دادستان مصر صادر شده است که ائتلاف احزاب اسلامگرا از جمله اخوان المسلمین که حامی محمد مرسی رئیس جمهور برکنار شده مصر هستند، طی روزهای گذشته برای برگزاری تظاهرات مسالمت آمیز در روز جمعه فراخوان داده اند. این تظاهرات قرار است علیه برکناری محمد مرسی توسط فرمانده نیروهای مسلح این کشور عبدالفتاح السیسی برگزار شود.

مردم افغانستان؛ گروگان‌های دیورند!

غلام محمد محمدی

۳- لویا خوست: این سومین قطعه مجهز بود که به صورت شتابزده از سوی ISI تریبه، تجهیز و تمویل گردید. این ملیشه‌های جوان از کمپ‌های مهاجرین به خدمت گرفته شده بودند. هر چند یکی از اهداف ISI، استعمال این قطعه در مقابل ناسیونالیست‌های پشتون پاکستان بوده، اما در جنگ خوست نیز از آن‌ها کار گرفته شد. در این قطعه، افسران استخبارات نظامی پاکستان کنترل دارند. (پایان گزارش) ۱۳۳

این قطعات هم نتوانستند پیروزی حزب اسلامی گلبدین را مطابق خواست رهبران پاکستان تضمین کنند. این زمانی است که اتحاد شوروی دچار ازم‌پاشی سریع گردیده، کمپنی‌های نفت آمریکا و کشورهای دیگر، متوجه ذخایر نفت آسیای مرکزی شده‌اند.

به نوشته آقای انصاری، اگر افغانستان در زمان

مجدد با آمریکا، انگلستان و حاکمان مستبد سعودی، در صدد براندازی دولت برهان‌الدین ربانی به وسیله گروه طالبان برآمدند؛ چون شورای هماهنگی ناکام و ناتوانی حکمتیار نیز برای بیرون راندن نیروهای احمدشاه مسعود در عمل ثابت شده بود.

نصیرالله بابر جنرال ارتش پاکستان که در دوران حکومت علی بوتو مسوولیت تنظیم، تربیت و نظارت گروه‌های فراری از افغانستان یا مخالفین دولت داوودخان را به عهده داشت، در دوران حکومت دختر علی بوتو (بی‌نظیر) مسوولیت تعلیم و تربیت گروه اجیرشده طالبان را به عهده گرفت و در ضمن، وزیر داخله پاکستان نیز بود.

این گروه اجیر، برای نخستین بار در ۲۹ اکتوبر ۱۹۹۴م، به دستور نصیرالله بابر برای نجات کاروان تجارتی پاکستان - که افسر نظامی قونسل‌گری پاکستان در هرات و دو فرمانده این گروه به نام‌های ملابورجان و ملاترابی



آن را همراهی می‌کرد - به کار گرفته شد. این گروه همراه با ۸۰ راننده و وسایط نقلیه شامل کاروان در بیست کیلومتری قندهار واقع تخته پل، گروه فرماندان امیرلالی و منصور اچکزی را به تاریخ سوم نوامبر ۱۹۹۴م سرکوب کرد، منصور اچکزی را که کاروان پاکستانی را متوقف ساخته بود، کشت و جسد او و افرادش را بر تانک‌های خود آویخت. قبل از این برخورد، افسران آی.اس.آی و گروه ملابورجان و ملاترابی، سپین بولدک قندهار را نیز در ۱۳ اکتوبر ۱۹۹۴م، از پاتک‌سالاران گروه‌های جهادی گرفته بودند. خلاصه این‌که، تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۴م طالبان کنترل کامل قندهار را به دست آوردند. ۱۳۴

بخش ملاگونه‌های طالبان از جمله دو بخش جریان افراطی مذهبی پاکستان (جماعت اسلامی و جمعیت العلماء)، مولوی فضل‌الرحمن رهبر جمعیت‌العلماء که یکی از حامیان بزرگ طالبان بود و پدر معنوی آن‌ها خوانده می‌شد، هنگام تحركات طالبان، ریاست کمیسیون روابط خارجی پارلمان پاکستان را به عهده داشت و جزو ائتلاف حزب مردم به رهبری بی‌نظیر بوتو بود و از تمام قوت خود به نفع طالبان استفاده کرده، گروه جماعت اسلامی به رهبری قاضی حسین‌احمد که طرف‌دار گلبدین در طول سالیان متماد بود عقب افتاد، تمام برنامه‌های گلبدین و طرف‌دارانش در پاکستان با خاک یکسان شد و زیر فشار طالبان و دولت استاد ربانی، با وجود قتل عام مردم کابل طی ۹ سال، در ۹ نوامبر ۱۹۹۶م بعد از افتادن مرکزش در چهارآسیاب به دست طالبان، به حکومت استاد ربانی تسلیم و در ۲۶ جون ۱۹۹۶م به حیث صدراعظم اعلام و در ۶ جولای ۱۹۹۶م در کابل حلف وفاداری یاد کرد. اما دو ماه بعد (۲۶ سپتمبر ۱۹۹۶ / ۵ میزان ۱۳۷۵) کابل نیز به دست طالبان افتاد و حکمتیار مانند یک

زندانی به وسیله نیروهای احمدشاه مسعود از سالنگ عبور داده شد و در پلخمری رها شد و از آن‌جا به ایران گریخت و میدان مقاومت را رها کرد.

به این طریق گروه طالبان به سرعت مناطق را یکی پی دیگر از گروه‌های جهادی بی‌بندوبار و پاتک‌سالار، گرفتند.

به نوشته احمد رشید نویسنده پاکستانی: «گروه طالبان وابسته به یک جناح قدرت در پاکستان نبود، بلکه با جناح‌های مختلف قدرت، بعدها رابطه برقرار کردند و این مراکز متعدد قدرت در پاکستان به حیث حامیان طالبان، آن‌ها را چنان جسور ساخت که گاهی از فرمان آی.اس. آی نیز سرپیچی می‌کردند. آن‌ها از گروه‌های مافیایی و قدرت‌مند محلی نیز استفاده می‌کردند.» ۱۳۵

اما «نتنی دیویز Netni Diviz» پژوهش‌گر واقع بین استرالیایی، گسترش گروه طالبان را در دو سال نخست ظهورشان، یک پدیده برخاسته از مدارس مذهبی نمی‌داند. وی می‌نویسد: «در مدتی کوتاه، تعداد طالبان چندبرابر شد و از یک نیروی چند هزار نفری، تا ۱۹۹۶م به نیرویی ۳۰ تا ۳۵ هزار نفری تبدیل و به یک سیستم کارآمد در ساختار نظامی مبدل شدند، مجهز به زره‌پوش، توپخانه قوی، نیروی هوایی هرچند کوچک، شبکه ارتباطی قوی، سیستم اطلاعاتی و لوژستیک و دارای مهارت‌های جنگی گردیدند. این‌گونه آماده‌گی و تدارکات جنگی فعال، چیزی نیست که در مدرسه‌های پاکستان یا قریه‌های افغانستان فراهم شده باشد، بلکه حمایت آشکار پاکستان و قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه در آن دخیل بوده است.

چنان‌که هیچ مقام پاکستانی واضح‌تر از خانم بی‌نظیر بوتو در مورد ایجاد گروه طالبان، سخن نگفته است. موصوف طی مصاحبه‌یی با نشریه لوموند گفت: فکر ایجاد گروهی به نام طالبان از انگلیس‌ها بود، مدیریت و حمایت آن را امریکایی‌ها کردند، هزینه آن را سعودی‌ها می‌پرداختند و ما اسباب آن را فراهم و طرح را اجرا کردیم.» ۱۳۶

نصیرالله بابر نیز با اطمینان می‌گوید «طالبان بچه‌های من‌اند.» اما ناسیونالیست‌های بیمار یا طالبان نکتایی‌دار مانند آقای خروتی در مقابل کمره تلویزیون طلوع‌نیوز، می‌گویند: «طالبان یک گروه خودجوش هستند.»

پيامد پشتونستان خواهی و ادعای ارضی، برای افغانستان چه بوده است؟
افراد و محافل سیاسی بی در کشور ما وجود دارند که اکنون ظاهرشان به‌خاطر فریب افکار عامه، به دریشی و کروات آراسته است و در گذشته، در برابر چشمان ابرقدرت شرق، خود را کمونیست، سوسیالیست و اترانسونالیست جلوه می‌دادند. تعدادی دیگر نیز برای جهان غرب، خود را دموکرات، لیبرالیست، سوسیال‌دموکرات معرفی می‌کنند. کسان، گروه‌ها و محافل دیگری هم در لباس زهد و تقوا و مسلمان سیاسی، به نام اسلام گلو پاره می‌کنند. اما جای تأسف این است که همه این گروه‌ها به درجه‌های متفاوت و با تفاوت لباس، دارای افکار قبیله‌یی‌اند و هنوز مغزهای خود را از لوٹ این افکار بوی‌ناک و بدوی، پاک نکرده و یا نتوانسته‌اند پاک کنند.

اندیشه این قبیل افراد، به دست داشتن یا به دست آوردن قدرت سیاسی است آن‌هم به قیمت هر نوع بدنامی‌یی که باشد. در واقعیت امر، کرویات خون سیاه قبیله‌یی‌شان بر هر علاقه و آرمان دیگری غلبه دارد. وگرنه در نظام سوسیالیستی، سخن از تولید، توزیع و تکامل نیروهای مولده بوده، نگاه‌ها به سوی مرحله پیشرفته آن (کمونیسم) معطوف است و تفکر قبیله‌یی در آن راه ندارد. در جامعه سرمایه‌داری نیز اساس زنده‌گی، سرمایه و شعار آن، دموکراسی است. مولفه اساسی دموکراسی هم، آزادی فردی می‌باشد.



بخش نخست

ازدواج

سودمندتر از ورزش تمام می‌شود!

ازدواج چیزی شبیه به مواد نگهدارنده یا کمر بند ایمنی برای زنده‌گی است و می‌توان فواید آن را درست مانند یک رژیم غذایی مناسب و کارهایی هم‌چون ورزش و سگرت نکشیدن دانست.

بهترین حالت ازدواج آن است که زوجین از عادت‌های درست در جهت حفظ سلامت یک‌دیگر تقلید کنند. دانشمندان بنا بر پژوهشی روی ۴۷۴۶ زوج بین ۵۱ تا ۶۱ سال، دریافتند وقتی موضوع سلامت مطرح می‌شود، زوجین همانند آینه یک‌دیگر عمل می‌کنند.

اگر مردی در اوایل پنجاه ساله‌گی از سلامت جسمانی بسیار خوبی برخوردار باشد، احتمال این‌که همسرش بیمار یا ضعیف باشد، بسیار کم است. چنان‌چه وضعیت جسمانی مرد ضعیف باشد، به احتمال زیاد همسرش نیز می‌تواند در وضعیتی مشابه یا کمی بهتر باشد؛ زیرا زوجین در یک محیط زنده‌گی می‌کنند و شرایط آن‌ها از لحاظ تغذیه، ورزش، عواطف و استرس یک‌سان است.

زنده‌گی سالم برای زوجین زمانی رخ می‌دهد که شرایط کامیابی برای هر دو مهیا باشد. این حالت نه تنها به سلامت و طول عمر هر یک از آن‌ها منجر می‌شود، بلکه فرصتی عالی برای همکاری همسران به وجود می‌آورد. در ادامه این مطلب، هشت راهکار آمده است که می‌توانید به واسطه آن‌ها سلامت جسمانی خود را در زنده‌گی زناشویی رشد دهید:

۱- در همه امور همکاری کنید

کیمبرلی و گری جردن، روزانه زمانی را برای پیاده‌روی در مسافتی به طول سه مایل اختصاص داده‌اند. به این ترتیب ضمن این‌که استراحت می‌کنند و با هم هستند، به امور روزمره‌شان نیز رسیده‌گی کرده و حدود ۳۰۰ کالری نیز می‌سوزانند. این یک موهبت است، زیرا در آن شرایط زمانی برای صحبت، بیرون رفتن با یک‌دیگر و آرام گرفتن نیز مهیا می‌شود.

رابطه جنسی، مسأله‌یی است که نباید از آن غفلت کرد. این امر موجب افزایش ضربان قلب و سوزاندن پنجاه کیلو کالری می‌باشد. به این ترتیب، سرعت جریان خون به سمت مغز بیشتر و سیستم ایمنی مقاوم‌تر می‌شود و میزان سلامت ذهن افزایش می‌یابد.

۲- مثل خانم‌ها غذا بخورید

کیفیت تغذیه خانم‌ها پس از ازدواج افت می‌کند، با وجود این برنامه غذایی مردان با شروع زنده‌گی زناشویی سالم‌تر می‌شود. هنگامی که خانم‌ها زنده‌گی مشترک خویش را آغاز می‌کنند، بیشتر از قبل از غذاهای زیان‌آور استفاده می‌کنند و در نتیجه به وزن آن‌ها افزوده می‌شود.

پژوهشی روی سه‌هزار زوج نشان داد که مردان پیش از ازدواج، چربی، نمک و بوره بیشتری می‌خورند، اما پس از این‌که با همسر خود به اصطلاح زیر یک سقف می‌روند، از این مواد غذایی کمتر استفاده می‌کنند، در حالی که جذب چربی و کالری و در نتیجه وزن خانم‌ها پس از ازدواج افزایش می‌یابد. پژوهش‌های دیگر نیز حاکی از آن است که خانم‌ها در دهمین سالگرد ازدواج، حدود ۹ کیلوگرم به وزن‌شان افزوده شده است. از این رو پیشنهاد می‌کنیم که خانم‌ها، از غریزه خود برای تغذیه سالم استفاده کنند و آقایان نیز در این باره از همسرشان پیروی کنند.

۳- با همراهی یک‌دیگر وزن کم کنید

یک سال است که اد و سیلویا رابرتسون عضو یک مرکز تناسب وزن شده‌اند و در این مدت حدود پنجاه کیلوگرم وزن کم کرده‌اند! سیلویا می‌گوید: «یکی از اهدافی که برای خودمان معین کرده بودیم، حفظ سلامت و ورزش بیشتر بود، اما چندان موفق نبودیم؛ زیرا به برنامه‌یی نیاز داشتیم که هر دو از آن پیروی کنیم. در ضمن از آن‌جا که به دوره میان‌سالگی نزدیک می‌شویم، نگران ابتلا به دیابت هم بودیم.» همسرش نیز در ادامه می‌گوید: «اکنون دوباره لاغر شده‌ایم و سایز کمر من از ۴۹ به ۳۲ رسیده است! سلامت‌مان از همه چیز مهم‌تر است و بدن ما ارزش آن را دارد که برای تغذیه صحیح و ورزش بیشتر وقت بگذاریم و تلاش کنیم.»

آیا انگلیسی زبانی مردانه است؟

از جمله شاخه‌های فرعی فلسفه زبان، مباحث فمینیستی در مورد زبان است. در این مقاله، نویسنده زبان انگلیسی را واجد عناصری دانسته که به طور کلی به این زبان ویژه‌گی مردانه می‌بخشد و به همین علت، بسیاری از فمینیست‌ها معتقد استند که زبان انگلیسی در طول تاریخ وسیله‌ی برای تسلط و اعمال قدرت مردان علیه زنان بوده است.

بعضی فمینیست‌ها (مثل پنلوپه ۱۹۹۰، اسپندر ۱۹۸۵) استدلال کردند که انگلیسی به معنایی کاملاً کلی، زبانی مردانه است. (مشابه استدلال‌هایی که درباره‌ی زبان مطرح شده‌اند.) از این مطلب چنین فهمیده می‌شود که می‌توان به شیوه‌ی مشابه با همان شیوه‌ی که می‌توان اصطلاحات خاص را مردانه دانست، زبان انگلیسی را مردانه دانست به وسیله‌ی رمزگذاری جهان‌بینی مردانه، کمک به زبردست کردن زنان یا نامرئی جلوه دادن آن‌ها، یا به واسطه‌ی این که مردان را نرم‌هنجار فرض کند.

برای اثبات این مطلب می‌توان به تعداد زیادی از اصطلاحات خاص که دارای جهت‌گیری مردانه هستند استناد کرد، ولی تمایل مردانه‌ی زبان انگلیسی چنان گسترده است که محدود کردن این مسأله در مجموعه‌ی از کلمات به‌جای زبان به مثابه یک کل، اشتباه است. مرحله‌ی اول از این نوع استدلال آشکارا، مرحله‌ی طویل و پیچیده است.

انواع ادعاهای گفته شده عبارت‌اند از:
الف- برای [دلالت به] مردان، کلمات بیشتری نسبت به زنان در زبان انگلیسی وجود دارد و بسیاری از این کلمات اثباتی مثبت هستند. (۱۹۷۷، ۱۹۸۵:۱۵ Spender citing Spender)

ب- کلمه‌ی دلالت‌کننده به زنان به شکل ضمنی دلالتی سلبی منفی را فرض می‌کند، حتا در جایی که این کلمه همان موقعیت یا وضعیت مشابهی را که برای مردان تعیین می‌کند، برای زنان نیز تعیین کند. (۱۹۸۵:۱۷ Spender) مثل کلمات spinster (دختر ترشیده) و bachelor (مرد مجرد)

ج- کلمات [دلالت‌کننده به] زنان در بسیاری موارد، بسیار جنسیت‌زده‌تر از کلمات [دلالت‌کننده به] مردان هستند و این امر حتا در مورد کلمات خنثا، وقتی این کلمات درباره‌ی زنان استفاده می‌شوند، صادق است.

دال اسپندر ذکر می‌کند لاکوف (۱۹۷۵)، درباره‌ی مثال professional (حرفه‌ی) بحث می‌کند و he's a professional (او یک حرفه‌ی است) را با she's a professional (مقایسه کرده، خاطر نشان می‌کند که از جمله‌ی دوم به احتمال بسیار بیشتر نسبت به جمله‌ی اول این معنی فهمیده می‌شود که فرد مورد بحث، یک خودفروش است. [از جمله اول بیشتر این معنا فهمیده می‌شود که فرد مورد اشاره، در حرفه و صنعت خود، خبره و کاردان است. است. (مترجم)]

جنسی کردن این کلمات برای زنان به‌ویژه توسط بسیاری از فمینیست‌هایی که معتقدند عینی کردن جنسیت اگر ریشه‌ی نابرابری‌های بین زنان و مردان نباشد، عنصری تعیین‌کننده برای آن است، اهمیت دارد. (مثال‌های بیشتر در این مورد را هم چنین در ۱۹۹۲ Baker ببینید.)

به نظر صاحب‌نظرانی هم‌چون اسپندر، این رمزی کردن (کدگذاری) گسترده‌ی سمت‌گیری مردانه در زبان، همان چیزی است که باید انتظار داشته باشیم. او ادعا می‌کند مردان (هرچند آن‌چنان که او می‌گوید نه همه‌ی مردان) قدرت بسیار بیشتری در جامعه داشته‌اند این [قدرت]، قدرت تحمیل نگرش مردانه‌شان به جهان از طریق زبان را نیز شامل شده است. به علاوه، او استدلال می‌کند تسلط از طریق زبان برای افزایش قدرت مردان به‌کارگرفته شده است.

جنسیت‌گرایی در زبان است که موقعیت مردان را بالا برده و در نتیجه، مردان بر محصول اشکال مختلف فرهنگی سلطه پیدا کردند. (Spender ۱۹۸۵:۱۴۴)

اسپندر ادعا می‌کند و دلیلی غیرمستقیم ارائه می‌کند که مردان، جنسیت‌گرایی را در زبان رمزگذاری کردند تا از این طریق مطالبات‌شان درباره‌ی برتری مردان را استحکام بخشند. (Spender ۱۹۸۵:۱۴۴) اما اسپندر این دلیل را برای این ادعا بسیار بیش از دلیلی غیرمستقیم تلقی کرده و برای تأیید



نتایج ادعا شده‌ی مردانه‌گی زبان نیز حیرت‌آور است. ما قبلاً معضلات این ایده که مردان زبان را کنترل می‌کنند، دیده‌ایم. این ایده نیز که اندیشه و واقعیت را کنترل یا خلق می‌کنند، با معضلات بیشتری مواجه است. توانایی فمینیست‌ها در این‌که به شکل موقفی، طرقی که به واسطه‌ی آن‌ها عناصر زبان تجربیات زنان را مبهم کرده، نشان دهند، به‌شدت در مقابل این ادعا قرار دارد که مردان اندیشه را کنترل می‌کنند (۱۹۹۸ Cameron) و همان‌گونه که سالی هاسلانگر مشروحاً استدلال کرده است (۱۹۹۵)، ساختارگرایی گفتمانی درباره‌ی واقعیت، غیرقابل تحمل است

اگر این گونه مسایل را فراتر از اصطلاحات برگزیده خاص تلقی کنیم و آن‌ها را آلوده کردن کل زبان بدانیم، طبیعی است قبول کنیم که زنان به میزان زیادی خاموش می‌شوند، یعنی عاجزند از برشمردن عناصر کلیدی زنده‌گی‌شان و عاجزند از ارتباط دادن وجوه مهم تفکرشان. اسپندر و نیز دیگران ادعا کردند: مردانه‌گی، زبان اندیشه را محدود می‌کند و نگرشی مردانه بر همه‌ی ما تحمیل می‌کند و نگرش‌های جای‌گزین به واقعیت را ناممکن می‌کند یا دست‌کم برشمردن آن‌ها را بسیار دشوار می‌سازد.

این استدلال‌ها اغلب بر مبنای فرضیه‌های سایبر هورف ارائه می‌شوند. (۱۹۷۶: Wharf; ۱۹۹۱ Sapir). این به طور کلی تقریباً به مثابه این فرضیه‌ها تشریح شده است که جهان‌بینی ما به وسیله‌ی ساختارهای زبان خاصی که از روی اتفاق برای صحبت کردن به ارث برده‌ایم، تعیین می‌شود. (Cameron ۱۹۹۸:۱۵۰)

برخی ادعا کردند قدرت مردانه بر زبان به مردان اجازه می‌دهد که نه فقط اندیشه، بلکه هم‌چنین واقعیت را شکل دهند؛ مثلاً اسپندر ادعا می‌کند: مردان زبان، اندیشه و واقعیت را خلق کردند. (۱۹۸۵:۱۴۳)

این نسخه‌ی بسیار قوی آن‌چه سالی هاسلانگر ساختارگرایی گفتمانی (استدلالی) (discursive construtivism) نامیده است.

فمینیست‌هایی مثل اسپندر و کاترین مک‌کینون (۱۹۸۹)

آن تلاش‌های زبان‌شناسان نسخه‌شناس بحث کرده است. یکی از مثال‌ها در تأیید این مطلب، این ادعا است.

در متون انگلیسی مردان باید پیش از زنان وارد فهرست شوند، زیرا جنس مرد، جنس شایسته‌تر بود. (Spender ۱۹۸۵:۱۴۷ emphasis hers) و هم‌چنین تلاش‌ها (که پیشتر ذکر شد) برای اثبات he به عنوان ضمیر از حیث جنسی خنثای سوم‌شخص در زبان انگلیسی.

از نگاه صاحب‌نظرانی چون اسپندر، توانایی مرد برای کنترل، سلطه یا مهار زبان به‌طور قطع، به آن‌ها قدرت زیادی می‌دهد. ما تاکنون راه‌هایی را که به واسطه‌ی آن، آن‌چه احتمالاً می‌توان آن را مردانه‌گی زبان دانست و در نامرئی کردن زنان (با توجه به کلماتی مثل he and man) عاملیت دارد، دیده‌ایم. اگر انسان مردانه‌گی زبان را فراتر از چند اصطلاح خاص بداند، قدرت زبان را در نامرئی ساختن زنان حتا قوی‌تر و مهم‌تر خواهد دانست.

ما هم‌چنین طرقی را که به واسطه‌ی آن‌ها آن‌چه احتمالاً می‌توان مردانه‌گی نامید، دیده‌ایم. در جایی که ما فاقد کلماتی برای [دلالت به] تجربیات مهم زنانه، مثل آزار جنسی (sexual harassment) هستیم، زنان برای توصیف عناصر اصلی وجودشان، این [فقدان کلمات] را مشکل‌تر می‌یابند. به همین شکل، در جایی که کلماتی که به روشی معین تجربیات زنان را تحریف می‌کنند، زنان به‌درستی دوران سختی برای انتقال واقعیت‌های زنده‌گی‌شان خواهند داشت.

استدلال می‌کنند قدرت مردانه بر زبان که به آن‌ها اجازه‌ی خلق واقعیت را داده، به‌خاطر این واقعیت است که طبقه‌بندی ما از واقعیت به‌ناچار وابسته به دورنمای اجتماعی ماست. واقعیت غیر جنسی (جنسی نشده) یا نظرگاه غیر جنسی وجود ندارد. (مک‌کینون ۱۱۴: ۱۹۸۹. هاسلانگر از این برهان به شکل مشروح در کتاب سال ۱۹۹۵ خود بحث می‌کند.)

به طور کلی، راه‌حل پیشنهاد شده، تلاش برای خلق زبان خنثایی که بتواند به‌درستی واقعیت را به چنگ خود بگیرد، یعنی هدفی که آن‌ها آن را محمل می‌دانند، نیست. در عوض ما باید خلق یک واقعیت جدید که متجانس‌تر با روحیه‌ی زنان است را هدف خود قرار دهیم.

برخی فمینیست‌ها استدلال کرده‌اند که تنها راه برای دست یافتن به این [هدف]، برای زنان خلق زبان متعلق به خودشان به وسیله‌ی تعریف مجدد اصطلاحاتی که تاکنون مورد استفاده بوده یا به وسیله‌ی ساختن یک زبان جدید با کلمات و قواعد جدید است. آن‌ها اظهار می‌کنند تنها بدین شیوه است که زنان قادر خواهند بود بر محدودیت‌های زبان مردانه و اندیشه‌ی مردانه غلبه کنند، تا نگرشی رقیب به جهان را تبیین کنند و در راستای آن عمل کنند.

(MacKinnon ۱۹۸۹) (Daly and Caputi ۱۹۸۷) (Spender ۱۹۸۵) (Penelope ۱۹۹۰)

ادعاهای بحث شده درباره‌ی مردانه‌گی زبان انگلیسی، علل و نتایج آن بسیار است. ابتدا (اولاً)، دامنه‌ی گرایش مردانه در زبان، قابل بحث است؛ هرچند این درست است که فمینیست‌ها بسیار دل‌نگران تنوع گسترده‌ی اصطلاحات و کاربردهای خاص هستند، ولی اصلاً آشکار نیست که مناسب باشد ادعا کنیم زبان انگلیسی به معنایی جامع مردگرا biased - male است.

سپس قدرتی که مردان به‌طور انکارناپذیری در جامعه اعمال کرده‌اند، به هیچ وسیله به قدرت کلی روی زبان ترجمه نمی‌شود. همان‌طور که کسانی که سعی کرده‌اند زبان‌هایی را بسازند، دریافته‌اند کنترل بر زبان مشکل است.

قدرت اصلی‌یی که مردان داشته‌اند با لغت‌نامه‌ها، کتاب‌های راهنمای مستعمل و قوانین مرتبط بوده است؛ در حالی که این‌ها به غایت در شکل دادن به واقعیت و شکل دادن به اندیشه‌ها مهم هستند، یک جهش برای حرکت از این مقدمه به این ادعا که مردان زبان، اندیشه و واقعیت را خلق کرده‌اند، کافی است.

نتایج ادعا شده‌ی مردانه‌گی زبان نیز حیرت‌آور است. ما قبلاً معضلات این ایده که مردان زبان را کنترل می‌کنند، دیده‌ایم. این ایده نیز که اندیشه و واقعیت را کنترل یا خلق می‌کنند، با معضلات بیشتری مواجه است. توانایی فمینیست‌ها در این‌که به شکل موقفی، طرقی که به واسطه‌ی آن‌ها عناصر زبان تجربیات زنان را مبهم کرده، نشان دهند، به‌شدت در مقابل این ادعا قرار دارد که مردان اندیشه را کنترل می‌کنند (۱۹۹۸ Cameron) و همان‌گونه که سالی هاسلانگر مشروحاً استدلال کرده است (۱۹۹۵)، ساختارگرایی گفتمانی درباره‌ی واقعیت، غیرقابل تحمل است.

این ایده که زنان می‌توانند یک زبان مشترک تشکیل دهند که اظهار تجربیات آن‌ها را میسر کند، به نظر این واقعیت را نادیده گرفته که زنان فوق‌العاده با یکدیگر متفاوت‌اند (Lugones ۱۹۸۳ Spelman, ۱۹۸۸ Spelman و بنگرید به فصل feminism and the diversity of women در topics in feminism). اگر زنان نتوانند از همان زبان مردان استفاده کنند، چرا باید ما قبول کنیم که زنان می‌توانند به یک زبان با هم صحبت کنند.

گردآوری و تنظیم: www.persianpersia.com

این کوه که هر گوشه‌ی آن پاره‌ی لعلی است خورده است بدان خون جگر دریاورم

درد است که پرپر شده باشد در این باغ بر شانه‌ی تو شانه‌به‌سرهای زیادی

از یک سفر دور و دراز آمده انگار این قاصدک آورده خبرهای زیادی

راهی است پر از شور، که می‌بینم از این دور نی‌های فراوانی و سرهای زیادی

هم در به دری دارد و هم خانه‌خرابی عشق است و مزین به هنرهای زیادی

بیچاره دل من که در این برزخ تردید خورده است به اما و اگرهای زیادی

جز عشق بگو کیست که افروخته باشد در آتش او خیمه و درهای زیادی...

دو غزل از سعید بیابانکی



بیهوده به پرواز میاندیش کبوتر! بیرون قفس ریخته پرهای زیادی

افتاده در این راه، سپرهای زیادی یعنی ره عشق است و خطرهای زیادی

از دل چقدر لاله‌ی تر دریاورم یا کاسه کاسه خون جگر دریاورم

چون شانه دست در سر زلف تو می‌زنم کز راز و رمز موی تو سر در بیاورم

من خواب دیده‌ام که تو از راه می‌رسی چیزی نمانده است که پر در بیاورم

من چارده شب است به این برکه خیره‌ام شاید از آب قرص قمر دریاورم

در من سرک نمی‌کشی ای روشنای ناب خود را مگر به شکل سحر دریاورم

من شاعر دو چشم توام، قصد کرده‌ام از چنگ شاه کیسه‌ی زر دریاورم

ای کاج سال‌خورده زخمی به من بگو از پیکرت چه قدر تبر دریاورم؟



یک جنرال ارشد امریکایی:

القاعده با طالبان و حزب اسلامی غیر قابل تمایز شده است



یک فرمانده ارشد امریکایی می‌گوید که پس از خروج بیشتر نیروهای رزمی غربی از افغانستان در سال آینده نیز تعداد اندکی از ستیزه جویان القاعده در این کشور باقی خواهند ماند، اما توانایی اجرای عملیات بزرگ را نخواهند داشت.

به گزارش خبرگزاری رویترز از کابل، جنرال جوزف اوسترمن، معاون عملیات فرمانده نیروهای تحت فرمان ناتو در افغانستان در مصاحبه با این خبرگزاری گفت تعداد اندکی از جنگجویان القاعده همچنان در ولایت کوهستانی و ناهموار نورستان در شرق افغانستان مانده اند و از زمین‌های جنگلی و دره‌های عمیق این ولایت به عنوان پناهگاه‌های طبیعی استفاده می‌کنند.

اوسترمن در این مصاحبه که پنجشنبه شب انجام گرفت گفت: «این‌ها کمتر از ۱۰۰ نفر هستند و در حقیقت فقط می‌کوشند در این منطقه زنده بمانند. من فکر می‌کنم این حضور لزوماً به معنای آن نیست که آنها می‌توانند از این منطقه به عنوان یک تخته پشه استفاده کنند.»

نیروهای امنیتی افغان و فرماندهان ناتو بسیار مشتاقند از دستاوردهای خود در جنگ ۱۲ ساله با طالبان و متحدان القاعده‌یی آنها سخن بگویند که با حمله نظامی نیروهای ائتلافی تحت فرمان امریکا به افغانستان در سپتامبر ۲۰۰۱ از قدرت سرنگون شدند. اما ولایت دور افتاده نورستان در کنار پاکستان که در میان کوه‌های هندوکوش واقع شده است، چندان مورد توجه نیروهای ناتو نبوده است. این در حالی است که نیروهای القاعده و طالبان از این منطقه برای اجرای حملات خود به کابل و ولایت‌های مجاور مانند ننگرهار و لغمان استفاده کرده اند.

هرچند ناتو هر از گاهی از کشتن فرماندهان القاعده یا

امریکایی در سال ۲۰۱۰ به افغانستان آمد گفت: «آنها به عملیات خود علیه این گروه از ستیزه جویان و کشتن آنها ادامه می‌دهند و واقعا به آنها اجازه نمی‌دهند به یک نیروی تهدید کننده تبدیل شوند.»

هنوز مشخص نیست آیا حضور ستیزه جویان القاعده می‌تواند به تلاش‌ها برای ترغیب طالبان به مذاکرات صلح در قطر لطمه‌یی بزند یا خیر، زیرا امریکا چنین شرط کرده است که رهبران شورشیان هرگونه رابطه با القاعده را کنار بگذارند و تقبیح کنند.

اوسترمن در نورستان، که تقریباً هیچ جاده یا تاسیسات زیرساختی ندارد، گفت القاعده تقریباً از جنگجویان طالبان و دیگر گروه‌هایی مانند حزب اسلامی گلبدین غیرقابل تمایز شده است. وی گفت: «آنها مدت‌ها در این منطقه بوده اند و با مردم محلی وصلت کرده اند. یکی از علل حمایت محلی از آنها همین وصلت هاست.

اما این حمایت لزوماً به معنای حمایت از القاعده یا حمایت از طالبان نیست.»

به اصطلاح «تسهیل کننده‌گان حملات» در این ولایت سخن گفته است فرماندهان افغان می‌گویند برخی مناطق این ولایت ممکن است به طور کامل به تصرف ستیزه جویان شورشی درآیند.

جنرال استنلی مک کریستال فرمانده سابق نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان در سال ۲۰۱۰ به سربازان امریکایی دستور داد از نورستان خارج شوند، هرچند نیروهای ویژه هنوز در این ولایت در کنار نیروهای پراکنده افغان و نیز ستیزه جویان ضد طالبان در روستاهای اصلی «کامدش» و «برق متال» عملیات می‌کنند.

هوایم‌های بدون سرنشین امریکا نیز در این ولایت به مواضع شورشیان حمله می‌کنند، هرچند تعداد این حملات به سبب نگرانی از کشته شدن غیرنظامیان کاهش یافته است.

اوسترمن از فرماندهان سپاه تفنگداران امریکا که نخستین بار در چارچوب طرح تقویت نیروهای

آقای عظیمی توضیح نداد که این افراد شهروند کدام کشورها بوده اند.

منابع ارتش می‌گویند در جریان این عملیات تاکنون «دو سرباز ارتش کشته شده اند و به طالبان نیز تلفات زیادی رسیده است.»

انتقال مسوولیت امنیت افغانستان

آغاز این عملیات بزرگ در حالی صورت می‌گیرد که نیروهای امنیتی افغانستان رهبری کل عملیات نظامی را در افغانستان به عهده گرفته اند.

شروع مرحله پایانی انتقال مسوولیت های امنیتی از نیروهای ناتو به نیروهای امنیتی افغانستان نیز حدود یک ماه پیش رسماً اعلام شد و قرار است تا پایان سال ۲۰۱۴ میلادی مسوولیت امنیت سراسر افغانستان به نیروهای افغان واگذار شود.

روند انتقال مسوولیت های امنیتی در سال ۲۰۱۱ از

شده در بازسازی افغانستان مورد انتقادهای شدید قرار دارد.

مجلس نماینده‌گان کانگرس ایالات متحده امریکا یک طرح اصلاحی قانونی را تصویب کرده است. براساس این مصوبه، جان کری تا اول ماه جولای سال آینده باید برنامه ای را جهت به اجرا در آوردن سیستم حسابرسی و نظارت تدوین نماید.

هرگاه او به چنین کاری موفق نگردد، هنگامی که لایحه دولت و تخصیصه عملیات در سال ۲۰۱۴ به مجلس سنا فرستاده می‌شود، حقوق و معاشات او و نماینده ویژه ایالات متحده امریکا برای افغانستان تا ۲۵ درصد تنقیص می یابد.

سایکو به فرانس پرس گفته است: «وزارت خارجه بنا بر بعضی دلایل توضیح ناپذیر ۵۰ میلیون پول مالیه دهندگان را به سازمان بین المللی توسعه حقوق داده است و بعداً هیچگونه نظارتی بر این موسسه خارجی نداشته است.»

او افزوده است: «طنز قضیه این است که دولت از قانون مکتوب خود تخطی کرده است و به این سازمان چک هنگفتی را برای آموزش حاکمیت قانون

افغانستان لانه تروریسم...

رهبری افغان‌ها متعهد می‌باشد. جو بایدن گفت که نمی‌خواهد کشورش و یا هم هند شاهد وقوع حملات دهشت افگنی باشند و به همین دلیل یکجا با هم دست به دست هم معلومات استخباراتی را با هم شریک می‌سازیم تا دیگر یازدهم سپتمبر و ۲۶ سپتمبری اتفاق نیافتد.»

هند میلیاردها دالر در افغانستان سرمایه‌گذاری کرده و اکنون نگران است که مصالحه با طالبان گروه‌های شورشی را جسور خواهد ساخت.

نقش پاکستان در منطقه

ایالات متحده همواره پاکستان را یک کشور کلیدی در عرصه حل مسایل افغانستان عنوان کرده است، اما سفر جو بایدن به هند و اطمینان دادن آن کشور در باره سال‌های بعد از ۲۰۱۴ چه معنی می‌دهد.

لیسا کورتیس، پژوهشگر بنیاد هریتیج در واشنگتن به رادیو آشنا گفت که هند نگران انجام بعضی معاملات سری ایالات متحده با طالبان است و بخش عمده سفر بایدن را هم رفع این نگرانی‌ها تشکیل می‌داد.

اما به گفته این آگاه امور جنوب آسیا «آنچه بایدن باید هند را اطمینان می‌داد این بود که ایالات متحده با افغانستان متعهد باقی مانده و موضوع گزینه صفر نیروهای نظامی در آن کشور چیزی نیست که واقعا ایالات متحده روی آن فکر می‌کند.»

خانم کورتیس ابراز امیدواری کرد که معاون رییس‌جمهور امریکا یک بار دیگر مقامات هندی را اطمینان داده باشد که این کشور در پی انجام معامله با طالبان نیست تا آن گروه بخش‌های از افغانستان را تحت کنترل خود نگهدارند.

کارشناسان به این باور اند که روابط هند و ایالات متحده در تازگی‌ها به خاطر افغانستان و نارضایتی واشنگتن از آنچه از دیدگاه امریکا سیاست‌های تجاری حمایت از مصنوعات داخلی هند تلقی می‌شود، کمرنگ شده است.

حضور پناهنده‌گان...

بیانیه رسمی اعلام کرد: با انقضای مدت اقامت قانونی نزدیک به یک میلیون و ۶۰۰ هزار از پناهنده‌گان افغانستان در ۳۰ جون ماه گذشته دولت اسلام آباد تصمیم دارد حضور این پناهنده‌گان را به مدت دو و نیم سال (تا سال ۲۰۱۵) تمدید کند.

گفتنی است، وزیر امور ایالات و مناطق مرزی پاکستان که رسیده‌گی به امور پناهنده‌گان خارجی در این کشور را نیز بر عهده دارد، در نشستی سه جانبه با حضور نماینده سازمان ملل متحد در کابل به صورت اصولی با تمدید مدت حضور پناهنده‌گان افغانی در پاکستان موافقت کرد با این حال نهایی شدن این طرح منوط به تصویب آن توسط اعضای دولت پاکستان است.

پاکستان و آژانس پناهنده‌گان سازمان ملل متحد (UNHCR) می‌گویند: پاکستان میزبان حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار پناهنده ثبت شده افغانی بوده علاوه بر این یک میلیون پناهنده غیر ثبت شده افغانی نیز در این کشور حضور دارند.

دولت افغانستان و آژانس پناهنده‌گان سازمان ملل متحد از تصمیم پاکستان برای تمدید مهلت اقامت پناهنده‌گان افغانی استقبال کردند.

با این حال کمیساریای عالی پناهنده‌گان سازمان ملل متحد به فعالیت‌های خود برای کمک به بازگشت داوطلبانه پناهنده‌گان افغانستان به کشور ادامه داده و تاکنون هزاران نفر از این افراد به افغانستان بازگردانده است.

در عین حال بازگشت پناهنده‌گان افغانستان به کشور با موانعی نیز همراه است، نبود فرصت برای امرار معاش، سرپناه و ناامنی از دلایلی است که پناهنده‌گان افغانی باز نمی‌گردند.

در پاکستان بیشترین تعداد پناهنده‌گان افغانستان در ایالت‌های خیبرپختونخوا (شمال غرب) و بلوچستان در جنوب غربی این کشور بسر می‌برند.

پاکستان در حالی پذیرای پناهنده‌گان افغانی است که اکثر آنان زنده‌گی سختی در این کشور داشته و همچنین نیمی از این افراد در خارج از افغانستان به دنیا آمده و از هیچ ثروت و زمینی برای زراعت نیز برخوردار نیستند.

سال ۱۳۹۰ شمسی در مجموع نزدیک به ۵/۷ میلیون پناهنده افغانستان یعنی یک چهارم جمعیت کشور داوطلبانه یا با کمک پاکستان و ایران به افغانستان باز گشته‌اند.

نظر سنجی‌های به عمل آمده توسط کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهنده‌گان و وزارت امور پناهنده‌گان افغانستان حاکی از آن است که ۴۰ درصد از افراد بازگشته به افغانستان به طور کامل دارای هدف نامشخصی هستند.

ولایت بامیان آغاز شد و تاکنون مسوولیت امنیت بیش از ۷۵ درصد افغانستان به نیروهای افغان واگذار شده است.

قرار است در مرحله پنجم انتقال مسوولیت‌های امنیتی سیزده ولسوالی قندهار، ولسوالی‌های ننگرهار، خوست و پکتیکا در شرق و جنوب افغانستان، تا هفده ماه آینده به نیروهای افغان واگذار شود.

جنرال امان می‌گوید که یکی دیگر از اهداف آنان از راه اندازی عملیات سیم‌غ، اطمینان دادن به مردم از توانمندی های نیروهای امنیتی افغانستان پس از به عهده گرفتن مسوولیت‌های امنیتی است.

او همچنان به انتخابات پیش رو اشاره می‌کند و می‌گوید نیروهای امنیتی افغانستان امنیت را برای برگزاری انتخابات تامین خواهند کرد.

انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان قرار است در ماه حمل ۱۳۹۳ برگزار شود.

به افغان‌ها داده است. ما می‌خواهیم ریشه مسأله را پیدا کنیم و مردم را مسوولیت پذیر سازیم.»

جان سایکو در نامه اش به جان کری هشدار داده است که سازمان بین المللی توسعه حقوق در قسمت تهیه معلومات و فراهم ساختن یک نقل از مواد تدریسی اش کمک نمی‌کند. اداره او شاید حکم احضار سازمان نامبرده را جهت ارائه یادداشت کارش در افغانستان بدهد.

سایکو از کری تقاضا نموده است تا «قراردادها و عطیه‌های مشابه در ارتباط با بازسازی افغانستان را مورد بازبینی قرار دهد، تا اطمینان حاصل شود که اقداماتی برای یک نظارت و دیده بانی مناسب صورت گرفته است.»

یک بررسی تازه دفتر بازرس کل ویژه بازسازی افغانستان نشان می‌دهد که از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ وزارت خارجه ایالات متحده ۱۴۰ قرارداد بازسازی را امضا کرده است که ارزش مجموعی آنها به بیش از ۳۱۵ میلیون دالر می‌رسد. اما ۹۹ قرارداد واگذار شده هرگز مورد حسابرسی قرار نگرفته است.



د ولسي جرگې غړې وږمه ساپی:

د ملي اجنډا طرحه دي له ملي شورا سره شريکه شي

عرفان مومند

پرورش زنبور عسل در ولايت هلمند در حال رشد است



© Noorulah Shirada/AF P/Getty Images

برنامه پرورش زنبور عسل دو سال قبل از سوی وزارت زراعت و به کمک موسسات خارجی در ولايت هلمند آغاز شد. اکنون این صنعت به چندین ولسوالی هلمند توسعه یافته است. مقامات می گویند تولید عسل نیز در افغانستان افزایش یافته است. زنبورداری و تولید عسل یک حرفه پر درآمد دهقانان و یک صنعت پاک در خیلی از کشورهای جهان می باشد؛ اما زنبورداری به عنوان یک صنعت در افغانستان تازگی دارد. هلمند که یک ولايت زراعتی است در این بخش تجربه چندانی ندارد. دو سال قبل بود که وزارت زراعت و مالداري افغانستان به کمک برخی موسسات بین المللی برنامه پرورش زنبور و تولید عسل را میان دهقانان این ولايت راه اندازی کرد.

حبيب الله حبيبي، مسوول پروژه زنبورداری در هلمند می گوید پرورش زنبور عسل یک پیشه خوب و پر درآمد است و چون هلمند گل و گیاه فراوان دارد این صنعت می تواند در این منطقه آینده خوبی داشته باشد. زنبور عسل با گرده افشانی باعث می شود میزان حاصلات باغ های میوه افزایش یابد. زنبور عسل با گرده افشانی باعث می شود میزان حاصلات باغ های میوه افزایش یابد. وی افزود: «ما زنبورهای عسل را از کابل آورده و در چهار ولسوالی برای مردم توزیع کردیم. حالا از همین زنبورها که تولید مثل کرده اند به دهقانان توزیع می کنیم. نحوه پرورش زنبور را هم به آنها آموزش دادیم. مردم حالا بسیار خوشحال اند و این صنعت در حال رشد است.»

مسوولین این برنامه می گویند تا کنون صدها تن از ساکنان ولسوالی های هلمند آموزش های معیاری پرورش زنبور عسل را فرا گرفته اند و امکاناتی نیز در اختیارشان قرار گرفته است. عصمت الله، یکی از آموزگاران زنبورداری می گوید: «در هر ولسوالی دو یا سه بار برای مردم روش نگهداری زنبور عسل را آموزش داده ایم.»

بررسی های این اداره می رساند که به صورت اوسط هر دهقانان از فروش این مقدار عسل بیش از ۷۴ هزار افغانی به دست آورده و پس از برداشتن مصارف پرورش زنبور، بیش از ۶۷ هزار افغانی به عنوان فایده خالص برای آنها باقی مانده است.

گفته می شود که زنبور عسل به طور مستقیم و غیرمستقیم در تولید یک سوم غذای بشری رول دارد. این حشره از گرده افشانی بر روی گیاهان و باروری درختان گرفته تا تولید عسل به عنوان یک ماده خوراکی در زندگی انسان ها نقشی مهمی دارد.

هشدار از بحران ...

امینتی علیه کارمندان و پرسنل امریکا در افغانستان مطرح شده است، پاسخی نداده اند اما با این حال، دولت باراک اوباما رئیس جمهور امریکا اخیراً خواستار تأمین بودجه گسترده برای تقویت پایگاه های این کشور در افغانستان شده است.

علاوه بر این، جان کری وزیر امور خارجه امریکا نیز اخیراً اعلام کرده است که پایگاه های دیپلماتیک امریکا به منابع و حمایت و سرمایه گذاری نیاز دارند.

در دو گزارش ارایه شده از سوی بازرس کل وزارت خارجه امریکا و بازرس کل ویژه بازرسی افغانستان به حمله تاریخ ۱۳ سپتمبر سال ۲۰۱۱ میلادی به سفارت امریکا در کابل اشاره شده که در جریان این حمله، برخی از کارمندان سفارت مجروح شدند و این تاسیسات نیز خسارت دید. در گزارش بازرس کل وزارت خارجه امریکا در این باره آمده است که: درحالی که هیچ مرگ و یا جراحت جلدی در حمله ۱۳ سپتمبر اتفاق نیفتاد، اما خطر غیر ضروری کارمندان سفارت را تهدید کرد و دلیل آن نیز فقدان منابع و محافظت بود. خبر فقدان تدابیر امنیتی برای کارمندان سفارت امریکا در افغانستان در حالی گزارش می شود که نتایج جدیدترین نظرسنجی صورت گرفته توسط روزنامه امریکایی واشنگتن پست و شبکه خبری ای بی سی حاکی از آن است که تنها ۲۸ درصد از امریکایی ها برای جنگ کشورشان در افغانستان ارزش قابل هستند.

د افغانستان په درد خوړوونکې يوه جرگه وي.

مگر زه هم اندېښنه لرم، چې ښايي د دې جرگې تر شا نورې موخې پرته وي، لکه څنگه چې نور جهتونه پرې اندېښمن دي. دا اندېښنه له مور سره شته چې ښايي حکومت د دې دوديزې جرگې تر شاه يوه بله ډرامه ولري او هغه رامنځ ته کړي.

پوښتنه: په دې وروستيو کې احمدولي مسعود د هېواد د شخړو او ناوړين د پای ته رسېدو او د يوه ملي بين الافغاني توافق د رامنځته کېدو لپاره، د ملي اجنډا په نوم يوه طرحه وړاندې کړې ده، د دې طرحې په اړه ستاسو نظر څه دی؟

ځواب: دا طرحه تر اوسه يوازې د څو سياسيونو په واک کې ده، چې تل لوبېږي. په کار ده چې دا طرحه له ټولو افغانانو سره شريکه شي. ماته يوازې هغه ملي يووالي د منلو وړ دی، چې ټول افغانان په کې گډون ولري. نو دغه طرحه هم هغه مهال خلکو ته د منلو وړ گرځېدای شي چې ټولو افغانانو ته ورسېږي او پرې خبر شي.

په کار ده چې دغه طرحه لومړی د ملي شورا له دواړو مجلسونو سره شريکه شي. زه د ولس د يوې استازې په توگه تر اوسه له دې طرحې نه يم خبره، نه راته چا بلنه راکړې او نه مې دغه طرحه لوستې ده. دغه راز نه له ما نه تر اوسه چا غوښتي، چې زه ولس ته ورشم، په دې اجنډا يې راټول کړم او دپته يې وهڅوم چې دغسې طرحې ته غاړه کېږدي. په کار ده چې له ملي شورا سره له تر شريکېدو وروسته د دې طرحې په اړه يو قاطع تصميم نيول شي.



وحدت لپاره وي، هر کله او هر ځای چې خلکو ته د منلو وړ ده. خو فکر نه کوم چې ملي اجماع به د داسې مسایلو لپاره جوړه شي او يا به ملي يووالي رامنځته کړای شي. د لويې جرگې په اړه بايد ووايم، چې په اساسي قانون کې لويه جرگه تعريف شوې، چې کله، څنگه او د څه لپاره جوړېږي او ټول شرايط يې په اساسي قانون کې روښانه شوي دي. خو دا عنعوي جرگې په اساسي قانون کې نشته. خو که دا جرگه د ولس او د خلکو په څير وي، موږ يې هرکلی کوو او هيله من يو چې وکولای شي د افغانانو درد دوا کړي او

پوښتنه: د اوسني وضعیت په اړه ستاسو نظر څه دی او په اوس وخت کې موږ کومې خوا روان يو؟

ځواب: په دې کې شک نشته چې اوسني وضعیت په اړه له ټولو افغانانو سره اندېښنې شته او خلک يې اندېښمن کړي دي. د دې لامل دا دی چې له يوې خوا ۲۰۱۴ کال خلکو ته بيو جوړ شوی او له بلې خوا د دې پر ځای چې زموږ امنيتي ځواکونه لازم چمتووالی ولري ورځ تر بلې مو امنيتي وضعیت خرابېږي. ولايتونو او حتی کابل کې خلک ځان خوندي نه ويني. له موچې نيولې تر چارواکيو پورې هېڅوک مصوون نه دی.

خلک راتلونکيو ټاکنو ته په تمه دي؛ خو هغه څه چې ولس يې هيله لري هغه به تر سره نشي ځکه موږ د هر څه ازموينه ورکړې ده. د خلکو هيله ازادې، عادلانه او رڼې ټاکنې دي. په اوس وخت کې هېڅوک حتی خپل غږ هم نشي پورته کولای او يوازې

افغانان په هيلو ژوند کوي، نور هېڅوک په خپلې راتلونکې باوري نه دی او نه ورته خوښينه دی، ځکه شرايط او وضعیت داسې راغلی، چې خلک له اندېښنو ډک ژوند ولري.

پوښتنه: په دې وروستيو کې يوشمېر سياسيون د ملي اجماع خبره کوي غواړم پوښتم چې موږ ملي اجماع ته اړتيا لرو؟ يوه خبره او بله دا چې په دې وروستيو کې حکومت د لويې جرگې د جوړېدو ويلې، ايا د لويې جرگې په اړه مو نظر څه دی؟

ځواب: که ملي اجماع د ملي يووالي او ملي

عبدالجبار شولگری د ملي اجنډا په لومړۍ مشورتي ناسته کې:

ملي اجنډا د ملي يووالي بڼه محور کېدای شي



ټولو معززو دوستانو ته سلام وایم. وروسته له سلام نه بايد له ښاغلي احمد و لي مسعود نه مننه وکړم، چې دا فرصت يې برابر کړ، چې په دې مهمه مساله يانې ملي اجنډا باندې د بحث لپاره يې شخصيتونه سره راټول کړل.

گرانو حضارو! له بده مرغه زموږ ملت او زموږ خلک د راتلونکې په اړه ډېرې اندېښنې لري. دا اندېښنې هغه مهال لا زياتې شوې، چې په دې وروستيو کې د افغانستان د تجزيې خبرې را پورته شوې. يا د ملوک الطوايفي خبرې. له بلې خوا موږ گورو، چې د حکومت لومړني کسان وژل کېږي. دا ټول هغه څه دي، چې د ملت اندېښنې يې را پورته کړي دي. د دغو اندېښنو د لرې کولو، په افغانستان کې د سولې او ملي يووالي لپاره زما په نظر، ملي اجنډا که څه هم چې په جزياتو يې دوستان نظرونه لري او بحث پرې کېږي؛ خو زما په اند دا يو ښه محور کېدای شي. هغه ملي يووالي چې موږ سولې ته رسولای شي دا يې يو ښه محور کېدای شي او په دې محور بايد بحث دوام وکړي.

خو دا چې د دې بحث نن لومړنۍ ورځ ده، دا تمه بايد ونه لرو چې په يوه ورځ يا په څلورو

پينځو ساعتونو کې به موږ د ملي اجنډا پروسه پایله ورکړي، ځکه دا يوه پروسه ده، چې دوام غواړي. گر چې دغه ډول غونډو نه ولس ښې خاطرې او تجربې نه لري، غونډې شوي، ناستې شوي خو په تاسف سره چې هغو مثبتې پایله نه ده ورکړې. خو که چېرې دوستان په صداقت او رښتینوالۍ سره را مخ ته شي، ځکه دلته داسې څېرې ليدل کېږي، چې هم يې د هېواد په ازادۍ کې برخه اخيستی او هم يې هم د شخصي گټو او موقف غوښتونکي نه دي، دلته داسې شخصيتونه هم شته چې شخصي منافع نه لري، نو په دې اساس دا يوه هيله کېدای شي که چېرې موږ سره توافق وکړو، دې پروسې ته دوام ورکړو.

زه يو وړانديز لرم، د دې لپاره چې وخت مو ډېر نه وي ضايع شوی، يو به دا غونډې او جلسې لږې ساده ونيسو، بل په کمېټو باندې وويشل شي، چې په موضوع کار وکړو لکه څنگه چې هاشمي صيب ورته اشاره وکړه، چې هره موضوع درې څلور کمېټې واخلي او په يوې يوې موضوع بحثونه وشي؛ له يوې خوا به وخت په نظر کې نيول شوی وي او له بلې خوا به ژر يوې پایلې ته رسېدلې اوسو. وړانديز مې بيا هم همدا دی، چې په نننۍ غونډه کې که څه هم چې مهمې خبرې وشوي، خو عمومي خبرې وي؛ نو که په راتلونکيو غونډو کې په موضوع گټورې خبرې وشي پایله به يې ښه وي.

کری به پاکستان می رود



دولت پاکستان در بیانیه‌ی اعلام کرد، وزیر امور خارجه امریکا احتمالاً طی دو روز آینده به اسلام‌آباد سفر خواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری شینخوا، این بیانیه پس از نشست روز جمعه میان نواز شریف، نخست وزیر پاکستان و ریچارد اولسون، سفیر امریکا در اسلام‌آباد منتشر شد.

طبق بیانیه دفتر نخست وزیر پاکستان، این نشست به منظور آماده‌سازی مقدمات سفر جان کری، وزیر امور خارجه امریکا به اسلام‌آباد برگزار شده بود.

در این دیدار سفیر امریکا به بیان اولویت‌های کاری جان کری پرداخت. این مقام همچنین با استفاده از فرصت به وجود آمده به بیان دیدگاه‌های خود در خصوص روابط امریکا و پاکستان و نیز شرایط این منطقه پرداخت.

این اولین سفر جان کری به اسلام‌آباد از زمان روی کار آمدن دولت جدید در پاکستان که ماه گذشته میلادی تشکیل شد، محسوب می‌شود.

وزارت امور خارجه امریکا نیز اعلام کرد که مساله حملات پهبادهای امریکایی بر فراز مناطق قبیله‌ی پاکستان نیز در جریان مذاکرات کری با مقام‌های دولت اسلام‌آباد مطرح خواهد شد. نواز شریف در دیدار با سفیر امریکا بار دیگر به همکاری نزدیک با دولت باراک اوباما، رئیس جمهوری امریکا متعهد شد.



Mandegar

هشدار از بحران و تهدیدات امنیتی بر سفارت امریکا در کابل



با گذشت ۱۱ ماه از حمله به کنسولگری امریکا در بنغازی، تحقیقات جدید حاکی از آسیب‌پذیری و لغزش‌های امنیتی جدی دیپلمات‌های امریکا در سفارت کابل و ضعف آماده‌گی پرسنل امریکایی برای مقابله با شرایط اضطراری است.

به گزارش روزنامه امریکایی واشنگتن تایمز، درحالیکه حدود ۱۱ ماه از حمله صورت گرفته به کنسولگری امریکا در شهر بنغازی و مرگ کریستوفر استیونز سفیر و ۳ دیپلمات امریکایی در این حادثه می‌گذرد، تحقیقات داخلی صورت گرفته در امریکا از آسیب‌پذیری پست‌های امریکا در افغانستان و نابسامانی در سفارت و در خطر بودن دیپلمات‌های امریکایی حکایت می‌کند.

بر اساس یک گزارش داخلی جدید که سوالات جدیدی را درباره تعهد وزارت امور خارجه امریکا در قبال امنیت هیأت دیپلماتیک خود در افغانستان، آن‌هم با توجه به حمله سال گذشته میلادی به کنسولگری امریکا در بنغازی، به وجود می‌آورد، تاسیسات مربوط به دیپلمات‌های امریکایی در افغانستان با خطاهای امنیتی جدی روبرو است.

بر اساس این گزارش، این خطاهای امنیتی، خطرات غیر ضروری را برای کارمندان دیپلماتیک امریکا در افغانستان به وجود می‌آورد که از جمله این خطرات عبارتند از ضعف آماده‌گی در وضعیت‌های اضطراری و عدم حفاظت کافی؛ این خطرات می‌توانند منجر شوند که اسناد محرمانه امریکا در افغانستان به دست دشمنان این کشور بیفتد.

در گزارش محرمانه بازرس کل وزارت امور خارجه امریکا که بر اساس قانون آزادی اطلاعات در اختیار روزنامه واشنگتن تایمز قرار گرفته است، مستقیماً از دفتر امنیت دیپلماتیک وزارت خارجه امریکا به دلیل ناکامی در بازدید از سفارت امریکا در کابل پیش از تأیید طرح امنیتی برای این تاسیسات انتقاد کرده است؛ سفارت امریکا در کابل یکی از اهداف حملات رگباری شبه نظامیان طالبان در طول دو سال گذشته بوده است.

این روزنامه نوشته است که وقتی که بازرسان بازرس کل وزارت

خارج امریکا به بررسی سفارت این کشور در کابل پرداختند، متوجه کسری پناهگاه‌های اضطراری، غذا، جیره بندی آب، تجهیزات پزشکی و تجهیزات مربوط به پشتیبانی ارتباطات که برای دفع و نجات از یک حمله ضروری است، شدند.

بازرسی‌های مشابه در جاهای دیگر نیز مشخص کرد که پست دیپلماتیک امریکا در هرات، شهر غربی افغانستان، فاقد طرح اقدامات اضطراری و آموزش به کارمندان در زمینه چگونگی پاسخ گویی به یک حمله است؛ علاوه بر این، در این بررسی‌ها مشخص شد که یک تیم بازسازی ولایتی در قلعه نو، فاقد توافق با نیروهای ائتلافی ناتو به منظور تأمین پشتیبانی‌های نظامی در صورت وقوع حمله است.

بازرس کل وزارت خارجه امریکا در گزارش محرمانه خود هشدار داده است که فقدان پناهگاه‌های اضطراری کافی، عدم وجود منابع و تجهیزات اضطراری کافی، فقدان فراوانی وسایل ارتباطاتی، ناتوانی در شناسایی و تخریب اطلاعات حساس، خطر آسیب‌پذیری کارمندان سفارت امریکا در کابل و همچنین به خطر افتادن اطلاعات حساس در جریان وقوع یک شرایط اضطراری را افزایش می‌دهد.

بر اساس آنچه در ادامه این گزارش آمده...

ادامه صفحه ۷

کرزی در مراسم تحلیف رییس جمهور ایران شرکت می‌کند

وزارت امور خارجه اعلام کرد که رییس جمهور کرزی، در مراسم تحلیف حسن روحانی رییس جمهور منتخب ایران شرکت می‌کند.

این مراسم قرار است روز یکشنبه ۱۳ اسد برگزار شود.

در این خبرنامه آمده است که دکتر زلمی رسول وزیر امور خارجه نیز رییس جمهور را در سفر به تهران همراهی خواهد کرد.

وزارت امور خارجه افغانستان تأکید کرده که افغانستان و ایران دو کشور همسایه، برادر، هم زبان و هم فرهنگ هستند که سرنوشتی مشترک دارند.

در ادامه این خبرنامه افزوده شده که هر دو کشور در یک دهه گذشته روابط و همکاری‌های نزدیک را در تمامی زمینه‌ها تجربه کرده‌اند.

وزارت خارجه افغانستان با تأکید بر گسترش همکاری‌های بیشتر میان دو کشور، اولویت افغانستان را افزایش همکاری‌های اقتصادی و تجاری با ایران اعلام کرده است.

وزارت امور خارجه ایران نیز اعلام کرده است که از نمایندگان همه کشورها، به جز امریکا و اسرائیل، دعوت کرده که در مراسم تحلیف آقای روحانی شرکت کنند، اما کشورهای عضو اتحادیه اروپا تصمیم گرفته اند که تنها عضوی از سفارت خانه‌های خود در تهران را به این مراسم بفرستند.



با بلند شدن آفتاب ستاره‌ها نا پدید میشوند

When Sun Rises the Stars Disappear

رادیو آموزگار 101.3FM

نشرات رادیو آموزگار در کابل و ولایات مرکزی افغانستان

Contact Us:

info@amuzgarfm.com

www.amuzgarfm.com

+93 (0) 772929111

+93 (0) 799 879 879

آغاز عملیات بزرگ ارتش در لوگر



به عنوان اولین عملیات بزرگ به رهبری ارتش یاد می‌کنند، در تاریخ اول اسد در ولسوالی ازره ولایت لوگر آغاز شده است.

جنرال افضل امان از افسران ارتش افغانستان می‌گوید که تهدیدها در ولسوالی ازره ولایت لوگر بسیار زیاد شده بود و...

وزارت دفاع افغانستان می‌گوید عملیاتی موسوم به «سیمرغ» را برای خنثی کردن یک برنامه بزرگ مخالفان آغاز کرده است.

مقامات ارتش افغانستان می‌گویند مخالفان تصمیم داشتند چهار ولایت افغانستان را ناامن کنند. این عملیات که مقامات ارتش افغانستان از آن

www.mandegardaily.com



MandegarDailyNews



روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفتاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر

شش ماهه - ۲۰۰ دالر

نه ماهه - ۳۰۰ دالر

یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار

Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفتاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفتاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی

شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی

یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰ - +۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵